

## فهرست

۱۳	.....	.....	.....	مقدمه
۱۷	.....	زن آسمانی	پاره‌ی اول	
۱۹	.....	در جست‌وجوی قدیسان	فصل اول	
۲۹	.....	زن اول شخص	فصل دوم	
۴۱	.....	در آغاز	پاره‌ی دوم	
۴۳	.....	الهه‌ی آغازین ریتم	فصل سوم	
۶۳	.....	مادر دانه‌ی به ثمر نشسته	فصل چهارم	
۷۹	.....	در تاریخ	پاره‌ی سوم	
۸۱	.....	الهه‌ی میوه‌ی فراموشی	فصل پنجم	
۹۹	.....	ملکه‌ی آسمان	فصل ششم	
۱۱۷	.....	زرین	فصل هفتم	
۱۲۳	.....	مادر خدایان	فصل هشتم	
۱۶۳	.....	محافظ بزرگ	فصل نهم	
۱۸۱	.....	برکنارشدگان	پاره‌ی چهارم	
۱۸۳	.....	خدای توفان	فصل دهم	
۱۹۹	.....	پیروزی باکره	فصل یازدهم	
۲۱۳	.....	بازگشت به ریتم	پاره‌ی پنجم	
۲۱۵	.....	فن‌آوری ریتم	فصل دوازدهم	
۲۲۷	.....	هستی‌بخشیدن به خود	فصل سیزدهم	
۲۴۳	.....	.....	.....	یادداشت‌ها
۲۵۹	.....	.....	.....	کتاب‌شناسی
۲۶۵	.....	.....	.....	دیسک‌شناسی
۲۶۷	.....	.....	.....	فهرست معادل‌های پیشنهادی
۲۶۹	.....	.....	.....	نمایه

## مقدمه

دایره<sup>۱</sup> یکی از کهن ترین آلات شناخته شده در موسیقی است. شکل آن به مانند حلقه‌ای است که قطرش بیشتر از عمق پوسته‌ی آن است. در دوران‌های پیشاتاریخ ریتم‌های آن به شمن‌ها و پیش‌گوآیان کمک می‌کرد تا به حالت‌های خلسه و بی‌خوابی خاصی فرو روند که برای مداوا و طالع‌بینی ضروری بود. آیین‌های قدیمی‌ترین مذاهب بر گرد ضربه‌های دَف تحول و تکامل می‌یافت.

این مذاهب بر شالوده‌ی پرستش ایزدبانوان- الهه‌های مادری که در دوران‌های کلاسیک در فرهنگ‌های مدیترانه‌ای به صورت الهه‌هایی متعدد تکامل پیدا کردند- استوار بودند. در روزگاران کهن پیکر زن مقدس شمرده می‌شد، زیرا ظاهراً از قدرت جادویی زایش برخوردار بود؛ و توانایی هستی‌بخشیدن به انسان‌هایی جدید را داشت. در نتیجه، زنان نخستین کارشناسان مراسم مذهبی و نمایشی مقدسی بودند که ما در حال حاضر آنها را متعلق به روحانیون یا کشیشان می‌دانیم. دَف‌نوازی مقدس یکی از مهارت‌های اصلی آنان به‌شمار می‌رفت. و تا سقوط امپراتوری روم به صورت ابزار قدرتمندی برای اتحاد، پیوند همگانی و تحول فردی باقی ماند.

اگرچه وجود فرهنگ‌هایی که خدای نخستین‌شان یک ایزدبانو بوده است در بیست و پنج سال اخیر در آثار برنفوذ و پرطرفدار صاحب‌نظرانی چون ماریجا جیموتاس<sup>۲</sup>، بوفی جانسون<sup>۳</sup>، مرلین استون<sup>۴</sup>، رایان آیسلر<sup>۵</sup> و جوزف کمپل<sup>۶</sup> به‌خوبی ثابت گردیده است، نقش زنان در مقام متولیان زندگی معنوی در این فرهنگ‌ها کاملاً شناخته شده نیست. شاید به همین دلیل، اهمیت دَف به‌مثابه کانون قدرت معنوی زنان به‌راستی آنچنان که باید جدی گرفته نشده است.

در عصر جدید، دَف‌نوازان تقریباً منحصرأ مرد بوده‌اند، ولی به تدریج تعداد بیشتری از زنان نسبت به زاد-حق<sup>۱</sup> [حق مولودی] باستانی خویش شناختی دوباره می‌یابند. هر ساله بر تعداد دَف‌نوازان زن افزوده می‌گردد. در عین حال، امروزه بسیاری از زنانی که نه به‌عنوان یک شغل که برای بازیافتن پیوندی معنوی و ارزشمند با سلامت جسم و جان و با یکدیگر، که دیگر اثری از آن نمانده است- پیوندی که از دیرباز در دل



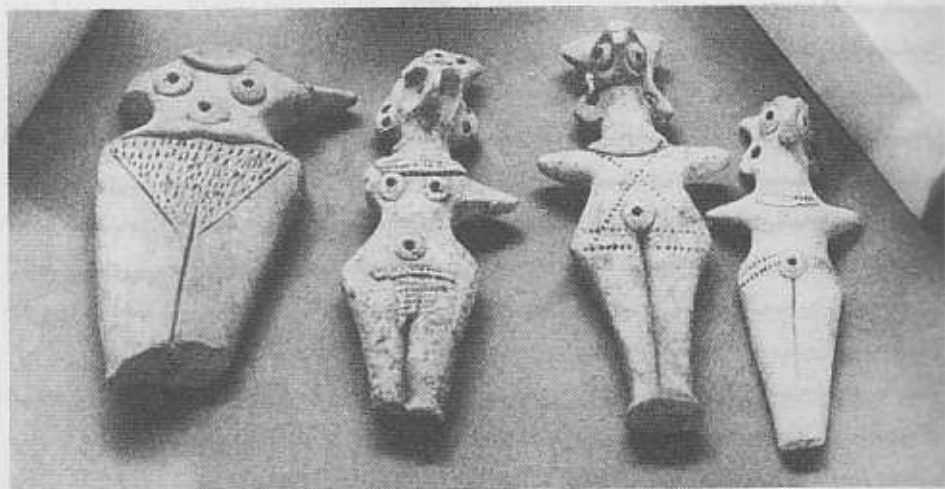
پندیر ۱۲ اینچی از مراکش و نار ۱۴ اینچی از آمریکای شمالی که به تقلید از نمونه‌ی خاورمیانه‌ای آن ساخته شده‌اند.

موهنجودارو در تماس بودند. با وجود این روابط متقابل میان فرهنگی، این گمانی عاقلانه است که تجارت و دادوستد قدری پیش تر آغاز شده باشد، و این تمدن‌های باستانی از ادواری بس دور روابط متقابل تجاری را بنیاد نهاده بوده‌اند.

تشابه میان اشکال نمادگرایی مذهبی و اسطوره‌ای در میان ساکنان دره‌ی سند و بین‌النهرین به‌راستی اعجاب‌آور است. این تشابه بازگوکننده‌ی نظام معنوی و روانشناسانه‌ی مشترک و عام‌ای است که به مبدأی مشترک در عصر پارینه‌سنگی بازمی‌گردد.

### هاراپن‌ها

دره‌ی رودخانه سند مهد تمدن وسیع و بسیار تکامل یافته‌ای بوده است. تا به امروز، در آنجا چندین هزار مکان حفاری شده‌اند. پنج نمونه از آنها به اندازه‌ی کافی بزرگ هستند که بتوان نام شهر را بر آنها اطلاق کرد. و حدوداً می‌توان گفت که ۵۳۰۰ سال قبل از میلاد بنا گردیده‌اند و هزاران سال بی‌هیچ‌گونه نوآوری یا تغییر آشکاری به حیات خود ادامه داده‌اند. این تداوم و انسجام خیر از سازمان‌مندی اداری- مذهبی قدرتمند و بی‌تغییری می‌دهد- نظامی که پیش از تکامل یافتن این شهرها دارای ریشه‌های عمیق و محکمی بوده است.



مجسمه‌های کوچک سفالی، سوربه‌ی باستان، از نیمه‌ی هزاره‌ی سوم تا آغاز هزاره‌ی دوم ق.م.

فرهنگ هاراپن فرسنگ‌ها دورتر از دره‌ی سند گسترش یافت، و توانست منطقه‌ای به وسعت اروپای غربی امروزی را دربرگیرد و همچون بزرگ‌ترین فرهنگ رودخانه‌ای وسعت یابد. دو شهر عمده‌ی آن -هاراپا بر کنار رودخانه‌ی راوی<sup>۲۲</sup> که خود یکی از شاخه‌های رودخانه سند بود، و شهر موهنجودارو که کنار رودخانه سند جای داشت- از لحاظ فرهنگی یکسان بودند؛ و حتا از نظر سبک معماری و طرح کلی شهر از نقشه‌ی واحدی پیروی می‌کردند. معماری بومی و شهری دره‌ی سند در ۲۵۰۰ پیش از میلاد

## جذب‌ه‌ی سی‌بل

کاتولوس<sup>۲۰</sup> توصیف درخشانی از پرستش سی‌بل به‌دست داده است: «بیا، از پی‌ام روان شو و به‌خانه‌ی سی‌بل فریگی گام نه، به‌بیشه‌زار الهه‌ی فریگی بیا! آنجا صدای جلنگ جلنگ سنج‌ها و طنین دف‌ها می‌آید، آنجا نی‌نواز فریگی نی پیچ‌درپیچ خویش را می‌نوازد. آنجا مانند‌ها آراسته به زیور پیچک چون آس‌اسر می‌جنبانند. آنجا، آنان با جیغ‌های کرکننده آیین مقدس را جشن گرفته‌اند.»

این صحنه به‌توصیفی که از جشن و سرور پیروان دیونوسوس ارائه شده است شباهتی بس چشمگیر دارد. براساس نظر بورکرت، آیین‌های مذهبی دیونوسوس و دمتر «ارتباط خاصی را با الهه‌ی مادر ساکنان آناتولی باستان نشان می‌دهند»، الهه‌ای که می‌توان ادعا کرد سی‌بل از سلاله‌ی حقیقی اوست. در روم باستان، مراسم و جشن‌های دیونوسوس و سی‌بل سخت درهم تنیده بودند.

همسر سی‌بل، آتیس<sup>۲۱</sup>، چوپان بود و زاده‌ی نانا، باکره‌ی مقدس، که در ۲۵ دسامبر دیده به جهان گشود. آتیس به‌لحاظ روابط زناشویی فردی عهدشکن و غیرقابل اعتماد بود، و سی‌بل نیز او را به‌کیفر آن دیوانه ساخت. آتیس با سنگی خویش را عقیم کرد و آنگاه به‌حیات خود خاتمه داد. پیکرش بر تنه‌ی درخت کاجی که نماد او بود بسته شد. برای بزرگداشت سالگرد مرگ او، کاهنان سی‌بل، که گالی<sup>۲۲</sup> نام داشتند، در جمعه‌ی سیاه خود را به‌گونه‌ای آیینی به‌دست خویش عقیم می‌ساختند. و پس از آن جامه‌ی زنان می‌پوشیدند.

سوگواری سالانه‌ی مرگ آتیس با نمایش آیینی بسته‌شدن نطفه‌ی وی دنبال می‌گردید. درخت‌فالوس<sup>۲۳</sup> او به درون غار مقدس مادرش حمل می‌شد تا اینکه دوباره مادر او را آبتن شود. جان‌نثاران سی‌بل سرخوشانه و مستانه، به‌همراه نوای موسیقی، رقص‌کنان تولد دوباره‌ی او را جشن می‌گرفتند، و رابطه جنسی نیز در این لحظات قیدوبندی نمی‌شناخت.

تاریخ‌نویسان رومی نوشته‌اند که در بدو ورود آیین‌های سی‌بل، این آیین‌ها بر طبقه‌ی حاکم محافظه‌کار روم تأثیری ناگوار داشت. آنان بنابه دلایل سیاسی این الهه را برگزیدند، امّا او آنچنان به‌سرعت در قلب مردم جای گرفت که تندیس و تاج‌در او به‌صورت نماد شهر درآمد. نقش او را در مقام



معبد سی‌بل از لیدیا، دوره‌ی رومی،  
قرن اول بعد از میلاد.